

جغرافیای کشاورزی

○ محمد شریفی



مؤلفان، ۶ بخش و ۱۰ فصل می‌باشد. در ابتدای کتاب مترجمان طی مقدمه‌ای شایان توجه، ضرورت ترجمه کتاب را برای پر کردن خلأ موجود در زمینه جغرافیای کشاورزی بیان کرده‌اند. سپس به صورت خلاصه ویژگی‌های کتاب را بیان نموده‌اند.

نویسندگان کتاب در پیشگفتار در ابتدا به بیان ویژگی‌های احساسی کتاب پرداخته‌اند. آنها می‌نویسند: «اگرچه کتاب جغرافیای کشاورزی کاملاً جدید نیست اما بحث نسبتاً جامعی را در زمینه این علم ارائه می‌دهد و در این زمینه رسالت مهم و اصلی این کتاب ایجاد انگیزه و تحرک بیشتر در میان متخصصان جغرافیای کشاورزی است. و کوششی است ناچیز به منظور در اختیار قرار دادن آخرین تحقیقات و کارهای انجام شده در زمینه جغرافیای کشاورزی در دسترس دانشجویان و محققان و به‌علاوه اصول، مفاهیم و روش‌های موجود در این کتاب به دانشمندانی که براساس تفکر جغرافیایی به مطالعه و بررسی علمی کشاورزی مشغول هستند کمک مؤثری خواهد کرد.»

با نگاهی کلی، یکی از ویژگی‌های برجسته این کتاب، یعنی سازماندهی ساختار آن به شکلی منظم و روشمند به چشم می‌آید که این مهم به توانایی و تسلط مؤلفان و تحقیقات عمیق آنها در این زمینه برمی‌گردد. اگر به ترکیب‌بندی فصول نگاه کنیم این نظم کاملاً مشخص است به طوری که اگر فصل اول را گام اول فرض کنیم، فصول بعدی به صورت پله‌های بعدی به طور منظم پشت سر هم قرار گرفته‌اند و حتی موضوعات بررسی شده درون هر فصل نیز از این اصول روشمند پیروی می‌کنند.

بخش اول که شامل مقدمه‌ای بر جغرافیای کشاورزی و روش‌های مطالعات کشاورزی در جغرافیا می‌باشد دو فصل نخستین را دربرمی‌گیرد:

فصل اول: مقدمه‌ای بر جغرافیای کشاورزی

در این فصل ماهیت، اهمیت و ارتباط این علم با علوم دیگر مورد بحث قرار گرفته است. در واقع این فصل چارچوب اصلی کتاب را مشخص می‌کند «در جغرافیای کشاورزی، کشاورزی به عنوان موضوع مورد بحث و جغرافیا در واقع خود روش‌های بحث و بررسی را مشخص می‌کند» بنابراین «جغرافیای کشاورزی به مفهوم دیدگاه‌های جغرافیایی در کشاورزی» می‌باشد. در مقدمه نویسندگان، جغرافیای کشاورزی را به عنوان یک علم محسوب کرده و آن را این گونه

یکی از شاخه‌های دانش جغرافیای انسانی، جغرافیای اقتصادی است جغرافیایی که به مسائل اقتصادی با دیدگاه و متدی جغرافیایی می‌پردازد. این شاخه از جغرافیا در ایران رشد نیافته است در حالی که نیاز به آن به شدت احساس می‌شود. یکی از موضوعات جغرافیای اقتصادی، جغرافیای کشاورزی است کشاورزی که با دیدگاه جغرافیایی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. متأسفانه جغرافی دانان ایران در این زمینه کار چندانی انجام نداده‌اند. اولین تألیف در ارتباط با جغرافیای کشاورزی را کاظم ودیعی در سال ۱۳۴۱ با عنوان جغرافیای کشاورزی عمومی نوشت.

این کتاب به صورت مقدمه‌ای بر جغرافیای کشاورزی بیشتر به کلیات می‌پردازد و از جنبه آموزشی و کاربردی امروزه از ارزش آن به مراتب کاسته شده است. به‌علاوه تنها در چند کتاب معنود در مورد جغرافیای اقتصادی به کشاورزی از دیدگاه جغرافیا پرداخته شده است.

با توجه به موارد بالا جای خالی چنین کتابی برای سالها احساس می‌شد. تا اینکه گروه مترجمان دانشگاه فردوسی مشهد این کتاب جغرافیایی مفید را ترجمه نمودند.

کتاب جغرافیای کشاورزی نوشته جاسپرسینگ و اس. اس. دیلون با همت آقایان دکتر سیاوش دهقانیان، دکتر کوچکی و مهندس کلاهی اهری در زمستان ۱۳۷۳ ترجمه شده و در سال ۱۳۷۹ تجدید چاپ شده است.

در ابتدای کتاب مترجمان، ضرورت ترجمه کتاب را بیان داشته‌اند: «کتاب حاضر یکی از معنود کتاب‌ها در زمینه جغرافیای کشاورزی است... از آنجایی که در ایران کتابی درباره جغرافیای کشاورزی یافت نمی‌شد ضرورت ایجاد می‌کرد که به منظور رفع کمبود و پر شدن خلأ موجود نسبت به ترجمه کتابی جامع و کامل اقدام شود.»

نویسندگان کتاب یعنی جاسپرسینگ و دیلون از استادان دانشگاه کרוکسترای هندوستان می‌باشند. هر چند این کتاب با توجه به محیط و شرایط کشاورزی هندوستان نوشته شده است اما آن‌چنانکه مترجمان نوشته‌اند «به لحاظ تشابه بسیاری از ویژگی‌های نظام بهره‌برداری از زمین و برخی خصوصیات اکولوژیکی و اقلیمی و تا حدودی نیز همگونی موقعیت اجتماعی - اقتصادی، در کشور ما نیز کاربرد دارد» و برای قشر عظیمی از دانشجویان رشته‌های کشاورزی و جغرافیا قابل استفاده می‌باشد.

کتاب دارای دو مقدمه مترجمان و مؤلفان، پیشگفتار

هر چند این کتاب با توجه به محیط و شرایط کشاورزی هندوستان نوشته شده است اما به لحاظ تشابه بسیاری از ویژگی‌های نظام بهره‌برداری از زمین و برخی خصوصیات اکولوژیکی و اقلیمی و تا حدودی نیز همگونی موقعیت اجتماعی-اقتصادی، در کشور ما نیز کاربرد دارد و برای قشر عظیمی از دانشجویان رشته‌های کشاورزی و جغرافیا قابل استفاده می‌باشد

تعریف کرده‌اند: «جغرافیای کشاورزی به عنوان یک علم با فرموله کردن و آزمایش فرضیه‌ها، تفسیر توزیع مکانی و محل استقرار شاخص فعالیت‌های کشاورزی بر روی سطح کره زمین و سنجش روابط جغرافیایی در ارتباط می‌باشد. به علاوه در پی شناسایی، شرح و طبقه‌بندی مشکلات کشاورزی در یک حوزه جغرافیایی نیز می‌باشد.»

آنها در ادامه هدف اساسی جغرافیای کشاورزی را این‌گونه بیان کرده‌اند: «بررسی جغرافیایی در ارتباط با تفاوت‌های ناحیه‌ای و نوسانات مکانی تشکلات کشاورزی و تبعات جغرافیایی مربوط به آنها و همچنین کمک به توصیف کمی چگونگی توزیع ناحیه‌ای می‌باشد.»

در جغرافیای کشاورزی از نقشه به جای نمودار استفاده می‌شود و در واقع «نقشه‌ها بسیار مفیدتر و معنی‌دارتر می‌باشند. این نقشه‌ها می‌توانند دامنه وسیعی از آمار و ارقام کشاورزی را بدون این که جای زیادی را اشغال کنند به نمایش بگذارند.» به علاوه نقشه‌ها می‌توانند روابط بین متغیرها را مشخص کنند.

نویسندگان اظهار می‌دارند که «جغرافیای کشاورزی یکی از توسعه‌یافته‌ترین شاخه‌های جغرافیا در قرن بیستم می‌باشد» در حالی که این جمله در مورد جغرافیای ایران به هیچ‌وجه صدق نمی‌کند و به وضوح عکس آن دیده می‌شود و این نیز یکی دیگر از ضعف‌های جغرافیای ایران است که همان‌طور که پیشتر اشاره شد هیچ کار اساسی در این زمینه انجام نشده است و در جغرافیای کشاورزی توجه خاصی به روابط سه‌گانه زیر مبذول می‌گردد:

الف) روابط بین محیط فیزیکی و عملیات یا ویژگی‌های کشاورزی
ب) روابط بین توزیع جمعیت، تراکم یا شاخص‌ها و فضا یا فعالیت‌های موجود کشاورزی
ج) روابط بین اکولوژی اجتماعی - اقتصادی یا فرهنگی و بهره‌برداری از زمین و الگوهای تولید.

جغرافیای کشاورزی با بعضی علوم دیگر مانند اقتصاد کشاورزی و علوم کشاورزی ارتباط نزدیکی دارد و جاسپرسینگ و شارما این رابطه را از طریق «مطالعه جغرافیایی سازمان مکانی مربوط به آن، طبقه‌بندی قابلیت‌های زمین، حاصلخیزی خاک و جنبه‌های اقتصادی کشاورزی» مشخص کرده‌اند. اقتصاد کشاورزی علمی است که با اصول مدیریت زمین کشاورزی یا جنبه‌های اقتصادی مدیریت مزرعه در ارتباط است در حالی که جغرافیای کشاورزی با انجام یک ارزیابی جغرافیایی از تفاوت‌های ناحیه‌ای و ارتباطات مکانی پدیده‌های کشاورزی مربوط می‌باشد. اقتصاد کشاورزی تنها با مدیریت یک منبع یعنی بهره‌برداری مفید از زمین کشاورزی و ظرفیت کشاورزی یا بهره‌گیری از زمین در رابطه است. اما در جغرافیای کشاورزی اثر جمعی مجموعه متغیرهای مختلف بر روی زمین کشاورزی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. جغرافیای کشاورزی نسبت به اقتصاد کشاورزی دارای این برتری می‌باشد که بررسی‌های ویژه‌ای نیز در رابطه با جنبه‌های محیطی انجام می‌دهد، اقتصاد کشاورزی بیشتر متأثر از محیط اقتصادی - اجتماعی است. حال آن که جغرافیای کشاورزی تحت‌تأثیر ترکیبی از عوامل فیزیکی و اجتماعی - اقتصادی قرار دارد. نویسندگان کتاب راجع به پیشینه جغرافیای کشاورزی این‌گونه می‌نویسند: «جغرافیای کشاورزی در قرن بیستم به شکل گسترده‌ای و به شیوه مدرن توسعه پیدا کرد. توسعه جغرافیای کشاورزی بر مبنای اصول مدرن در ربع اول قرن بیستم

مخصوصاً بین سال‌های ۱۹۱۰ و ۱۹۲۰ در آمریکا و با تأکید بر روی مشاهدات مزرعه‌ای و ترسیم نقشه‌های جغرافیایی صورت گرفت.» و در فاصله بین دو جنگ اول و دوم جهانی جغرافیادانان مجربی را به خود جلب کرد. از دهه ۱۹۴۰ متخصصان جغرافیای کشاورزی مطالعات مفصلی بر روی جغرافیای منطقه‌ای، تعیین حدود و مرز کشاورزی و پراکندگی سیستم‌های کشاورزی در ارتباط با الگوهای در حال تغییر ساختاری، زیربنایی، فرهنگی و سیاسی انجام دادند.

فصل دوم: روش‌های مطالعه کشاورزی در جغرافیا

این فصل در پی آشنا نمودن محققان با روش‌های مختلف مطالعه کشاورزی از دیدگاه جغرافیایی می‌باشد. چهار روش عمده‌ای که نویسندگان در کتاب بررسی کرده‌اند عبارتند از:

- ۱) روش مطالعه محصول
- ۲) روش مطالعه منطقه
- ۳) روش مطالعه محیط‌زیست
- ۴) روش مطالعه سیستماتیک

در این روش‌ها با توجه به هدف تحقیق و امکان دسترسی به منابع لازم برای انجام بررسی‌های آماری در مزرعه، سطح مطالعه تعیین می‌گردد؛ مطالعه در مقیاس خود و مطالعه در مقیاس بزرگ. روش مطالعه محیط‌زیست به روش‌های جبری، علت‌گرایی طبیعی، علت‌گرایی انسانی و علت‌گرایی طبیعی - انسانی تقسیم می‌شود.

در سال‌های اخیر نیز روش‌هایی برای مطالعات کشاورزی در جغرافیا انتخاب شده است که عمده‌ترین آن‌ها که در کتاب مورد بررسی قرار گرفته‌اند عبارتند از: الف) روش تجزیه و تحلیل سیستماتیک ب) روش رفتاری و ج) روش اکوسیستم.

در بخش دوم عوامل فیزیکی و غیرفیزیکی مؤثر بر الگوهای کشاورزی در دو فصل ارائه شده است.

فصل سوم: عوامل فیزیکی مؤثر بر الگوهای کشاورزی

در واقع فعالیت‌های کشاورزی انسان تابعی است از محیط فیزیکی که خود در آن زندگی می‌کند. طبیعت با مظاهر و جنبه‌های گوناگون خود یعنی خاک، آب و اقلیم در نواحی مختلف امکانات متنوعی را برای توسعه در اختیار انسان قرار می‌دهد. کشاورزی به مجموعه‌ای از روابط بین زمین، اقلیم، خاک، منابع آب و مخاطرات هیدرولوژیکی مربوط به آب و عملیات کشاورزی و روابطی که بین انسان و ناحیه کشت وجود دارد بستگی داشته و قابل مطالعه است.

بررسی جغرافیایی محیط فیزیکی، مرتبط با کشاورزی، ابزاری ضروری برای افرادی است که با شناسایی و تعیین تفاوت‌های اصلی منطقه در شکل‌گیری و مسائل جغرافیایی مربوط به آن سر و کار دارند. بنابراین الگوهای کشاورزی فعلی و برنامه‌های توسعه آتی باید با توجه به شرایط محیطی و اجتماعی غالب درک و پایه‌ریزی گردند.

«عوامل فیزیکی اصلی مؤثر بر کشاورزی، یعنی اقلیم، خاک و منابع آب وابسته به هم باقی می‌مانند. اقلیم با ارتفاع و وضعیت شیب دگرگون می‌شود و خاک‌ها در اثر تخییر و تعرق تغییر می‌کنند» عوامل فیزیکی مؤثر بر زمین شامل زمین، ارتفاع، شیب اقلیم، خاک و آب می‌شود. خصوصیات زمین به‌وسیله عناصری

از قبیل ناهمواری نسبی، شیب متوسط و شاخص سطح مقطع تعیین می‌گردد. ارتفاع یا اثر گذاشتن بر روی درجه حرارت، بارش و باد، خاک کشاورزی را مورد تأثیر قرار می‌دهد. پستی و بلندی یک ناحیه تعیین‌کننده آن ناحیه جهت انجام زراعت است. این موضوع حاصل مقایسه نواحی مرتفع، پستی و بلندی‌های مستقل و پستی و بلندی‌های نسبی و غیره می‌باشد. شیب زمین بر کشت و کار، قابلیت دسترسی، فرسایش خاکه آبیاری، گرفتن انرژی خورشید و ساختار زهکشی اثر می‌گذارد.

اقلیم و پارامترهای آن که اساساً از حرکت وضعی و انتقالی زمین، توزیع نابرابر خشکی‌ها، آب و عدم یکنواختی سطح زمین منتج شده است از عوامل اصلی مؤثر بر کشاورزی می‌باشد. متغیرهای اقلیم شامل درجه حرارت، سیستم‌های فشار و توده‌های هوا (بادها)، بارندگی، بارش برف، رطوبت نسبی هوا، شبنم، مه و ریز باران، نور خورشید و تابش آفتاب و تبخیر و تعرق تعیین‌کننده نوع کشت و بازدهی محصول می‌باشند.

خاک‌ها که خود نیز اساساً از فعالیت‌های کشاورزی متأثر است بر فعالیت‌های کشاورزی و بازدهی آن تأثیر دارد مباحثی چون تری خاکه سبک و سنگینی، بافت خاک، ساختار خاک، فرسایش خاکه کاهش حاصلخیزی خاک، شور، قلیایی و اسیدی شدن خاکه نفوذپذیری و رطوبت خاک در کتاب جغرافیای کشاورزی مورد بررسی قرار گرفته‌اند و راهکارهایی برای حفاظت خاک ارائه شده است.

منابع آب نیز که شامل آب زیرزمینی، سطحی و بخار آب در اتمسفر می‌باشد در این فصل کتاب بررسی شده است. «به طور کلی از آن جایی که کشاورزی مستقیماً با محیط فیزیکی پیرامون خود در ارتباط است بروز تغییرات در محیط بر بهره‌برداری از زمین اثر می‌گذارد. بنابراین کشاورزی صرفاً یک فعالیت اقتصادی نیست بلکه شکلی از اکولوژی کاربردی است» کوپک (۱۹۷۱).

فصل چهارم: عوامل غیرفیزیکی مؤثر بر الگوهای کشاورزی

جغرافیادانان به این واقعیت پی برده‌اند که عوامل فیزیکی (غیرزنده یا آبیوتیک) و غیرفیزیکی (زنده یا بیوتیک) بر روی توسعه اقتصادی اثر می‌گذارند و عوامل مؤثر در رشد کشاورزی نیز باید از دیدگاه یکسانی مورد بررسی قرار بگیرند و بین عوامل فیزیکی و غیرفیزیکی روابط درونی بسیار پیچیده‌ای وجود دارد که کتاب جغرافیای کشاورزی این رابطه را بررسی کرده است. عوامل غیرفیزیکی مؤثر بر الگوهای کشاورزی شامل عوامل تکنولوژیک، عوامل جمعیتی، عنصر انسانی، قابلیت دسترسی به راه‌های ارتباطی و... می‌باشد. متغیرهای تکنولوژیک، تأثیر قابل توجهی بر الگوهای کشاورزی و میزان تولید کشاورزی گذارده است. این امر در طی دوره استراتژی جدید کشاورزی به وقوع پیوست. تکنولوژی بر آبیاری و نهاده‌های نوین از قبیل شدت، کارایی و اطمینان آبیاری، ادوات کشاورزی، نیروی کار کشاورزی (انسانی و مکانیکی)، استفاده از واریته‌های پرمحصول و کودهای شیمیایی مؤثر واقع شد. انواع شیوه‌های آبیاری با تکنولوژی شامل آبیاری کانالی، انتقال عمودی آب، آبیاری مخزنی و شدت آبیاری به‌وجود آمد.

از عوامل غیرفیزیکی مؤثر دیگر بر الگوهای کشاورزی عامل جمعیتی است که شامل اندازه و پراکندگی آن، تراکم

مهاجرت و... می‌باشد.

عوامل فرهنگی نیز از دیگر مؤلفه‌های مؤثر بر الگوهای کشاورزی است. این عامل مالکیت زمین، پراکندگی اراضی زراعی، وسعت اراضی زراعی، چندپارچگی اراضی و شیوه کاشت و یا یکپارچگی اراضی را تعیین می‌کند.

نقش عنصر انسانی نیز در الگوهای کشاورزی زیاد است، نیروی کار انسانی، کارگر خانوادگی، کارگر استخدامی، تحرک‌پذیری کارگر زراعی، کشاورزان مهاجر، مذهب شیوه زندگی دهقانی یا غیردهقانی همه و همه بر شیوه الگوی کشاورزی اثر می‌گذارند. که در این قسمت از کتاب بررسی شده‌اند. خدمات زیربنایی مانند تسهیلات بازاریابی، هزینه‌های حمل و نقل، دسترسی به راه‌ها و جاده‌ها، محرک‌های قیمت، سازمان‌های اعتباری، فرانسایون‌ها، خطمشی‌های سیاسی و احیاء اراضی بایر نیز در این فصل مطالعه شده‌اند.

بخش سوم شامل منطقه‌بندی الگوهای کشاورزی سه فصل را دربرمی‌گیرد.

فصل پنجم: مناطق کشاورزی، مفاهیم و روش‌ها

منطقه کشاورزی ناحیه پیوسته‌ای است که از نوعی یکنواختی برخوردار است و دارای مرزها و حدود خارجی تعریف شده می‌باشد و در واقع مفهومی عقلایی برای گزینش و بررسی گروه‌بندی پدیده‌های پیچیده کشاورزی بر روی کره زمین می‌باشد.

مؤلفان در این کتاب بین تکنیک و متد تفاوت قائل شده‌اند آنها تکنیک را «روش واقعی کنترل مجموعه‌ای از داده‌ها به کمک مجموعه‌ای از روش‌های آماری برای به انجام رسانیدن کار یا حل مشکلات خاصی» می‌دانند و از طرفی دیگر واژه متد جامع‌تر بوده و راه یا ابزاری را برای اجرای یک پروژه ارائه می‌دهد.

کتاب، تکنیک‌های مختلفی را که برای تعیین مناطق کشاورزی به کار می‌روند به ۵ دسته تقسیم می‌کند: (۱) تجویزی (۲) تجربی (۳) تک‌عنصری (۴) آماری (۵) چندبندی کامل (کمی و کیفی) سپس هرکدام از آنها را با توجه به زمان پیدایش، اوج بکارگیری و استعمال آن با ذکر مثال‌هایی تشریح می‌کند و در ادامه به اهمیت مدل آماری جدید در عصر حاضر اشاره و آن را با توجه به اهمیت آن مورد بررسی قرار می‌دهد.

فصل ششم: روش‌های منطقه‌بندی کشاورزی

کتاب، ضرورت این مبحث را این‌گونه بیان می‌کند: «منطقه‌بندی کشاورزی دارای نقشی مهم و منطقی در جغرافیا بوده و به مثابه سیستم پایه‌ای برای توصیف و تشریح فرایندها و تغییرات مکانی است و به علاوه تأثیر قابل توجهی بر طرح‌ریزی‌های منطقه‌ای کشاورزی در کشورهای در حال توسعه دارد.»

کتاب روش‌های منطقه‌بندی کشاورزی را به ۵ دسته به شرح زیر تقسیم می‌کند:

- ۱) الگوهای کشت، دامداری یا عملیات کشاورزی (۲) ترکیب، تمرکز یا تنوع گیاهان زراعی، دام‌ها یا عملیات کشاورزی
- ۳) تفاوت‌های منطقه‌ای در سطوح تولید کشاورزی (۴) درجه تجارتي شدن (۵) تجزیه و تحلیل تناوب کشت

فصل هفتم: تیپ‌های کشاورزی؛ مفاهیم، متدشناسی و مبانی

این فصل نیز به طور مرسوم در ابتدا ضرورت شناخت

جغرافیای کشاورزی به عنوان یک علم با فرموله کردن و آزمایش فرضیه‌ها، تفسیر توزیع مکانی و محل استقرار شاخص فعالیت‌های کشاورزی بر روی سطح کره زمین و سنجش روابط جغرافیایی در ارتباط می‌باشد.

به علاوه در پی شناسایی، شرح و طبقه‌بندی مشکلات کشاورزی در یک حوزه جغرافیایی نیز می‌باشد

جغرافیای کشاورزی یکی از توسعه یافته ترین شاخه های جغرافیا در قرن بیستم می باشد اما متأسفانه این شاخه از علم جغرافیا در ایران پیشرفت زیادی نداشته است

تیپ‌های کشاورزی را بیان می‌کند «رده‌بندی کشاورزی به تیپ‌های آن (تیپ‌شناسی کشاورزی) از اهمیتی اساسی در برنامه‌ریزی‌های کشاورزی برخوردار است. طرح مقدماتی تیپ‌شناسی کشاورزی برای شناخت خصوصیات ذاتی کشاورزی در لهستان پایه‌ریزی شد اتحادیه بین‌المللی جغرافیا (IGU) دو هدف اساسی از تیپ‌شناسی کشاورزی را دنبال می‌کند:

۱) کشف اصول و معیارهایی جهت توسعه و ایجاد تکنیک‌ها و روش‌هایی برای شناسایی تیپ‌های کشاورزی.

۲) شناسایی تیپ‌های کشاورزی و همچنین تغییر شکل آنها. در ادامه بحث نویسندگان به متدشناسی و مبانی تیپ‌شناسی کشاورزی می‌پردازند و از هاریانا به عنوان نمونه موردی آن اسم می‌برند. آنها چگونگی تقسیم‌بندی آن به تیپ‌های کشاورزی بر اساس مبانی و متدشناسی تیپ‌های کشاورزی را بررسی کرده‌اند و تقریباً هشت تیپ کشاورزی برای هاریانا را مشخص نموده و آن را بررسی نموده‌اند.

بخش چهارم با عنوان سیستم‌های کشاورزی فصل هشتم را شامل می‌شود.

فصل هشتم: سیستم‌های کشاورزی جهان

«هدف اصلی طبقه‌بندی سیستم‌های کشاورزی جهان آن‌گونه که ویتل سی (۱۹۶۳) عنوان کرد طبقه‌بندی مناطق کشاورزی به صورت سیستم‌هایی که اهمیت یکسان دارند با استفاده از یک معیار یکنواخت جهت تعیین حدود مناطق بود که مطالعات مقایسه‌ای سیستم‌های کشاورزی مختلف جهان را تسهیل می‌کند و وظیفه جغرافیای کشاورزی طبقه‌بندی پدیده‌های کشاورزی از دیدگاه مکانی است.

در طبقه‌بندی سیستم‌های کشاورزی جهان الگویی چهار مرحله‌ای توسط آندرسون (۱۹۷۰) به صورت سیستم‌های کشاورزی اکولوژیکی، معیشتی، تجارتی و اشتراکی ارائه گردید که در کتاب این سیستم‌ها، به‌طور مفصل مورد بحث قرار گرفته‌اند. البته امروز سیستم کشت گیاهان قابل فروش نیز به چهار سیستم مذکور افزوده شده است. که این مورد نیز در کتاب بررسی شده است. مؤلفان برای کاربردی کردن این مقوله (سیستم‌های کشاورزی) کشاورزی هندوستان را براساس سیستم‌های کشاورزی طبقه‌بندی کرده‌اند.

بخش پنجم با عنوان مطالعات صحرایی و ارزیابی اراضی فصل نهم را شامل می‌شود.

فصل نهم: مطالعات صحرایی و ارزیابی اراضی در جغرافیای کشاورزی

به عقیده پلات 'موفقیت عمده در جغرافیا از طریق مطالعات صحرایی (میدانی) است که طی آن جغرافیدانان مستقیماً به سراغ منابع دانش‌های جغرافیایی رفته و به‌طور رو در رو با پدیده‌های خام و دست‌نخورده درگیر می‌شوند. کار صحرایی روشی برای جمع‌آوری اطلاعات می‌باشد. در بررسی و ارزیابی اراضی، نواحی به مناطقی شبیه مناطق کشاورزی، اما بر اساس معیارهای استفاده از زمین و به صورت نسبت گروه‌های مختلف بهره‌بردار از زمین، در یک ناحیه جغرافیایی گروه‌بندی می‌شوند.

کتاب انواع روش‌های ارزیابی بهره‌بردار از اراضی را به دو روش زیر تقسیم می‌نماید:

۱- روش سنجش از دور ۲- روش سنجش از نزدیک در ادامه، مولفان اراضی هندوستان را به دو طبقه اراضی مناسب برای کشت و اراضی نامناسب برای کشت تقسیم‌بندی می‌کند و هرکدام از این دو طبقه را به چهار رده تقسیم می‌کند و بعد اساس این تقسیم‌بندی را به‌طور مفصل بیان می‌کند.

بخش ششم که فصل دهم را دربرمی‌گیرد شامل مدل‌ها در جغرافیای کشاورزی می‌باشد.

فصل دهم: مدل‌ها در جغرافیای کشاورزی

این فصل را نویسندگان در ادامه فصول قبلی که با روش سیستماتیک و به صورت متوالی و منظم پشت سر هم چیده بودند، نیاروده‌اند؛ بلکه بر اساس یک نیاز و ضرورت خاصی که آنها تشخیص داده‌اند آن را به عنوان آخرین بخش به کتاب افزوده‌اند. این فصل مربوط به جغرافیدانان بویژه آنهایی که به مطالعه کشاورزی می‌پردازند می‌باشد که البته با توجه به فقدان منبع در این زمینه در جغرافیای ایران، برای همه جغرافیدانان از اهمیت زیادی برخوردار است.

«مدل‌ها ابزار عملی هستند که می‌توان با کمک آن‌ها به درکی از واقعیت البته نه کل واقعیت، بلکه بخش مفید و قابل فهم آن دست یافت.»

مدل بازنمایی مطلوبی از واقعیت به منظور نشان دادن بخشی از خصوصیات آن به فرم ساده شده و دقیق می‌باشد. کتاب در ادامه به اهمیت مدل‌ها، ویژگی‌های آن و عملکرد مدل‌ها در مطالعات با تأکید بر بررسی‌ها و تحقیقات جغرافیای کشاورزی می‌پردازد. و بعد طبقه‌بندی مدل‌ها به انواع مختلف را بیان می‌کند: مدل‌های تصویری، قیاسی، نمادین و یا آنها را براساس نظر کورلی به مدل‌های ریاضی، تجربی و طبیعی تقسیم می‌کند که هرکدام از آنها نیز به انواع دیگری تقسیم شده‌اند. و بعد به طبقه‌بندی عملی مدل‌ها در فعالیت کشاورزی که شامل مدل‌های اقتصادی و توصیفی می‌شود با ذکر زیررده‌های آنها می‌پردازد و بعد زیررده‌های آنها را نیز بررسی می‌کند.

در خاتمه از جغرافیدانان، به خصوص جغرافیدانان انسانی درخواست می‌شود از آنجا که کشور ایران برپایه کشاورزی است و فرسایش خاک بیش از حد تصور است به این شاخه از جغرافیا - جغرافیای اقتصادی - بیشتر توجه کنند. و در این راستا به طور قطع کتاب جغرافیای کشاورزی جاسپرینگ کتاب جغرافیای با ارزشی است که می‌تواند نیازهای دانشجویان این رشته را تا حدودی مرتفع سازد. و آموزش آن می‌تواند دانشجویان را به سمت تحقیق و پژوهش با راهنمایی کتاب در این زمینه وادار کند. یکی از ویژگی‌های کتاب دیدگاه و متدلوژی صرفاً جغرافیایی است که این برای جغرافیای ایران و جغرافیدانان و محققان این رشته بسیار ارزشمند است. به امید آن که در حد لازم به آن توجه شود.

پی‌نوشت‌ها: